

# دلتنگ دغدغه‌های خالق

## دیرین دیرین

«محمدرضا علیمردانی» و «علی درخشی» گوینده و کارگردان «دیرین دیرین»

در چهلمین روز درگذشت «محمد ابوالحسنی» خالق این پویانمایی

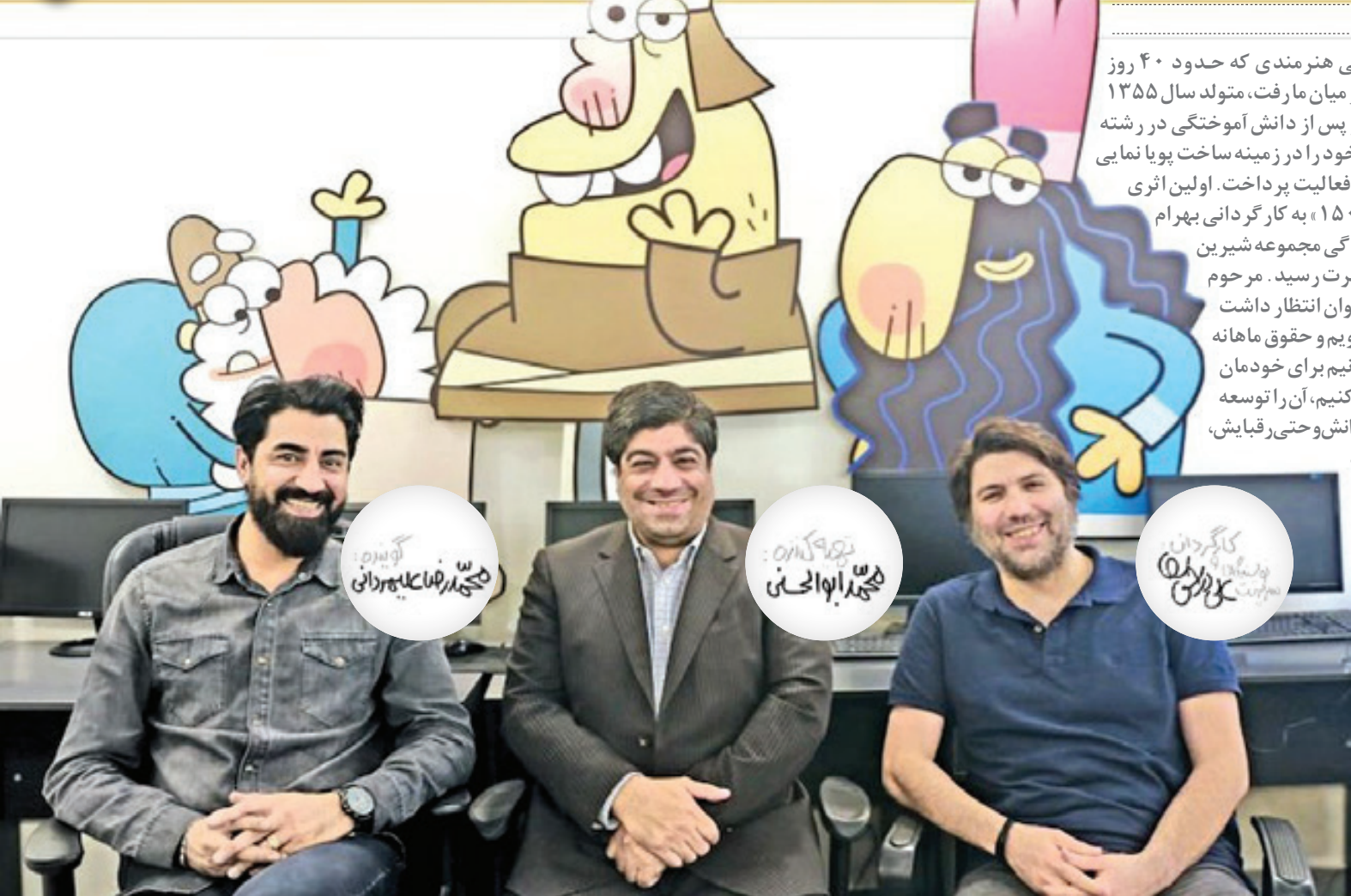
از زندگی و ایده‌های این مرد خلاق می‌گویند

علیرضا کاردار | روزنامه‌نگار



محمد ابوالحسنی هنرمندی که حدود ۴۰ روز قبل بر اثر کرونا از میان ماریفت، متولد سال ۱۳۵۵ در تهران بود. او پس از دانش‌آموختگی در رشته عمران، فعالیت خود را در زمینه ساخت پویانمایی

آغاز کرد و به‌عنوان تهیه‌کننده به فعالیت پرداخت. اولین اثری که از او دیده شد، فیلم «تهران ۱۵۰۰» به کارگردانی بهرام عظیمی بود. پس از آن با تهیه‌کنندگی مجموعه‌های شیرین و پری‌فردار «دیرین دیرین» به شهرت رسید. مرحوم ابوالحسنی معتقد بود دیگر نمی‌توان انتظار داشت که برای داشتن شغل استخدام شویم و حقوق ماهانه بگیریم، با پیشرفت فناوری می‌توانیم برای خودمان کسب و کارهای کوچک راه‌اندازی کنیم، آن را توسعه دهیم و کارآفرینی کنیم. همه همکارانش و حتی رقبایش، از خصلت‌های خوب او یاد می‌کنند، برای همین با دو نفر از نزدیک‌ترین دوستان و همکارانش هم‌صحبت شدیم تا سری به زوایای کمتر دیده‌شده زندگی آن مرحوم بنیم. گفت‌وگویی با علی درخشی، طراح و کارگردان مجموعه و محمدرضا علیمردانی، صدای پیشه‌بیش از ۲۰ شخصیت این مجموعه همراه با یادآوری لحظه‌های تلخ و شیرینی که باعث بغض این دو نفر می‌شد یا خنده بر لبشان می‌نشاند. برای شناخت این ایده‌پرداز خلاق و سبک کاری‌اش، این پرونده را از دست ندهید.



### اولین پویانمایی روزانه در دنیا

علی درخشی به‌عنوان کسی که نزدیک‌ترین رابطه کاری را با مرحوم ابوالحسنی داشته از سابقه‌آشنایی‌اش با وی می‌گوید: «من از سال ۸۲ زمانی که آقای ابوالحسنی هنوز کار پویانمایی را شروع نکرده بود کار نشر بود با او آشنا شدم. در همان کار نشر هم‌همین قدر پراگندگی و پراکنش بود. آن زمان یک مجموعه کتاب در باره مصرف بهینه گاز با هم کار کردیم. پس از آن پروژه‌های مختلف دیگری را با هم انجام دادیم، مثل شهر زندگی، حیات وحش و... تا سال ۹۲ که دیرین دیرین را با هم شروع کردیم.»



محمدرضا علیمردانی هم آغاز همکاری‌اش را این‌گونه تعریف می‌کند: «بعد از چند تجربه که با آقای ابوالحسنی داشتم که اغلب با کارگردانی‌اش درخشی بود، دیرین دیرین را شروع کردیم. مدتی بود که آقای ابوالحسنی این دغدغه را داشت و می‌گفت کاش بتوانیم پویانمایی روزانه و کوتاهی داشته باشیم، مثل کاریکاتور روزنامه که با زبان طنز به مسائل فرهنگی و اجتماعی بپردازد. اوایل من و درخشی خیلی امیدوار نبودیم که این اتفاق بیفتد چون شوخی نبود، ساخت پویانمایی یک پروسه تولید دارد تا نوشته شود، استوری‌برد بخورد، پویانمایی به سرانجام برسد، صداگذاری شود، موسیقی و افکت ساخته و میکس شود، اما ایشان بارها اصرار می‌کرد می‌گفت من نمی‌دانم، باید به یک فرمولی برسیم. شروع به تمرین و اتودزدن کردیم و سرانجام به این فرمول رسیدیم که فکر کردیم بدون در نظر گرفتن بازخوردهایش حس خوبی دارد. تصمیم گرفتیم بدویم به مخاطب تا ببینیم مردم چه واکنشی به آن خواهند داشت. به محض این که ساخته شد، اسم خوب دیرین دیرین برایش تعیین شد. کلمه دیرین دیرین ترکیب ساده‌ای از کلمات دیر و دیر است مثل دیملایلا. همچنین کلمه دیرین در واقع مربوط به دیرین و گذشته می‌شود و انگار می‌گوییم گذشته و گذشته و به بهانه شخصیت‌های خیالی گذشته و پارودی فضاهای مختلف، حرف‌های امروزی زدیم. اول فکر می‌کردیم فقط در ایران کسی نتوانسته است این حجم از تولید پویانمایی داشته باشد، حتی برای یک ماه، چه برسد به یک سال ولی در سال دوم متوجه شدیم که در کل دنیا کسی به این زور نرسیده است.»

### با خلق خوش طرف مقابل

#### را خلق صلاح می‌کرد

درخشی از چالش‌هایش با مرحوم ابوالحسنی می‌گوید: «خیلی دلم برای کار کردن با آقای ابوالحسنی و چالش‌هایش تنگ شده است. کار کردن با او دشوار بود، چون یک سر بود و هزار ایده و کمتر می‌توانست روی یکی از این ایده‌ها تمرکز کند و وقت بگذارد. مدام ذهنش این طرف و آن طرف بود. در این ۱۸ سال آشنایی سال‌های اول فقط با هم همکاری بودیم. هر چه گذشت روابط دوستانه‌تر و هم‌زمان چالش‌ها هم بیشتر شد. چون هر دو کار را دوست داشتیم و می‌خواستیم به بهترین شکل آن را ارائه بدیم، برای همین خیلی با هم بحث می‌کردیم.»

علیمردانی هم از برخوردهایش با مرحوم ابوالحسنی می‌گوید: «آقای ابوالحسنی خیلی زیاد جوش‌جامعه‌رانی‌زدانگار که خودش را وقف این ماجرا کرده بود. نه این که به زندگی‌اش نرسد ولی من تا حالا کسی را ندیده‌ام که این قدر دغدغه‌مند باشد. بدون این که ایشان را عصبانی، عموگین یا نگران ببینید، باز آتش، لیخنندو با خلق خوب کار را جلو می‌برد. طبیعی است وقتی یک گروه با هم کار می‌کنند اختلاف سلیقه و نظر باشد، بعضی تعهدات به تأخیر بیفتند یا به درستی انجام نشود، این‌ها همه موجب مافعه می‌شود اما در چنین شرایطی ندیدیم که حتی کمی صدایش بالا برود. در مواقع خشم و ناراحتی اگر مودی‌پیش می‌آمد، شخص آرام، خونسرد و لیخنندو همیشه آقای ابوالحسنی بود و به راحتی خشم طرف مقابل را کم‌وآورا دعوت به آرامش می‌کرد. زودتقصیر را به گردن می‌گرفت و با الفاظ «برادر، عزیزم، دردت می‌فرماید، حق با شماست، خطا از منه» و... طرف مقابل را خلق صلاح می‌کرد. می‌گفت، حالا اگر خطایی هم صورت گرفته من عذرخواهی می‌کنم. حتی اگر نیازی به عذرخواهی نبود و بعد که توضیح می‌داد، موضوع چه بوده، طرف را شرم‌منده و مسئله‌را حل می‌کرد.»

### دنبال ایرانی آگاه بود

مرحوم خبلی پراکنش بود. علی درخشی شخصیت مرحوم ابوالحسنی را با این جمله تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد: «شاید روزی ۱۰ یا ۲۰ جلسه داشت برای کارهایی که شاید اصلاً هیچ ربطی به هم نداشتند ولی هم‌زمان این‌ها را با هم مدیریت می‌کرد. به همین دلیل کار کردن با او خیلی سخت بود. در کنار این موضوع انسان بسیار شریفی بود. دوستان می‌دانند زمانی که بود هم می‌گفتیم انسان شریفی هستی. همین تعریف‌هایی که همه همکارانش از او می‌کنند، نشان می‌دهد که از نظر اخلاقی چه ویژگی‌های مثبتی داشت. آقای ابوالحسنی بی‌نظیر بود. بسیار اهل بگویند بود. فردی مذهبی بود که افراد را با هر سلیقه‌ای می‌پذیرفت و با هر گرایش ذهنی کار می‌کرد. الکی شعار نمی‌داد و عمل و حرفش یکی بود. می‌گفت «ایران آگاه»، دیدیم که زندگی‌اش را هم سر این قضیه گذاشت. از پس جلسه می‌رفت و با این که رعایت هم می‌کرد ولی باز هم متأسفانه درگیر این بیماری شد.»

علیمردانی بایک خاطره شخصیت او را چنین معرفی می‌کند: «می‌دیدیم موقع جلسات مشغول یادداشت برداشتن به صورت جدی است. بعد متوجه می‌شدیم یادداشت نبودند و خط‌خطی و اشکال همین طوری روی کاغذ می‌کشید. به نظر می‌رسید این کار به او تمرکز بیشتری می‌داد. یک دفعه در جلسه‌ای بودند که هیچ خوراکی روی میز نبود، جز سماق و آب. مرحوم وسط جلسه سماق را ریخت توی آب، هم زد و خورد. آقای درخشی هم فکر کرد لابد خاصیت دارد، به تقلید از او همین کار را کرد. همین که مقداری از آب را خورد دل‌جسه را قطع کرد و گفت: «آقایا چی بود؟! چه مزه بی‌خودی می‌دهد. ابوالحسنی متعجب گفت: «چی؟ من اصلاً متوجه نبودم! سماق کجا بود؟!» در واقع این مثل همان خط‌خطی کردن بود برای ایشان تا فکرش را روی کارش متمرکز کند.»



### کارش را ادامه خواهیم داد

قطعا الان کار بدون آقای ابوالحسنی به مشکل می‌خورد. این را علی درخشی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کسی شبیه ایشان نخواهد بود ولی چون دیرین دیرین یک دستاورد بزرگ است، مانند یک موجود زنده را خودش را می‌رود. شاید بتوانیم با روش‌های آقای ابوالحسنی پروژه را جلو ببریم ولی سعی می‌کنیم با روش‌های خلاقانه زنده نگهش داریم و مدام کیفیت‌اش را بهتر کنیم. آقای ابوالحسنی روابط عمومی خیلی قوی داشت. خیلی باهوش و خلاق بود و از صفر یک پروژه می‌ساخت. هنر بزرگی داشت که بین مسائل بی‌ربط آن چنان ارتباط برقرار می‌کرد که آدم حیرت می‌کرد. می‌توانست هزار و یک شغل و پروژه و پول ایجاد کند. البته سعی می‌کنیم کار را بهتر از قبل و با انرژی ادامه دهیم و در فضای مجازی هم فعال تر شویم تا آسایش را از مخاطب بگیریم!»



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

۲۳ رمضان ۱۴۴۲ • ۶ می ۲۰۲۱

شماره ۴۰۶۵۳

۱۸۷۳

### ۲ خاطره‌بامزه از مرحوم ابوالحسنی

برای این که غم فضای گفت‌وگورا کم کنیم، از این دو هنرمند خواستیم خاطره‌بامزه‌ای از مرحوم بگویند. علی درخشی تعریف کرد: «مرحوم ارتباط‌های زیادی با افراد و مسئولان مختلف داشت. با مشغله زیاد و روابط گسترده‌ای که داشت در گروه‌های وایبری عضو بود که در سطح وزیر و معاون وزیر هم در آن عضو بودند. یک روز او را دیدم که رنگش سرخ شده بود. علت را پرسیدم. با خنده گفت می‌خواستیم عکسی را در یک گروه کوچک دوستانه بفرستیم ولی اشتباهی آن را در گروهی فرستادم که پر از وزیر و مسئول بود. خودش در حالی که سرخ شده بود، تعریف می‌کرد تا روز بعد سکوت مطلق در آن گروه برپا شده بود. آن زمان امکان پاک کردن پیام هم در پیام‌رسان‌ها نبود تا این که اعضای گروه از شوک خارج شدند و مطالب جدی در گروه گذاشتند که آن پست بالا رفت و قضیه فراموش شد! ابوالحسنی یک شخصیت ملی بود که در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کرد و تأثیرگذار بود. حیف شد عمرش کوتاه بود ولی حالا حالا‌ها اثر مثبت از خودش به جا خواهد گذاشت.»

علیمردانی هم با این خاطره صحبتش را تمام می‌کند: «جلسه‌ای بود که تا جایی از آن ما باید می‌بودیم و از یک جایی به بعد ما نباید در جلسه می‌ماندیم. بنده خدا عادت داشت که یادداشت می‌نوشت و رومیزی یا زیرمیزی می‌رساند دست‌ماتا جلسه را ترک کنیم. این یادداشت‌ها خیلی بامزه نوشته می‌شد و ادبیات مودبانه و خیلی جدی آن‌ها ما را به خنده می‌انداخت. مثلاً در حالت عادی من اگر باشم می‌نویسم «فلانی به بهانه برو بیرون تا من بقیه جلسه تنها باشم» اما در حالی که نصف جلسه ما کنارش حضور داشتیم، ابوالحسنی می‌نوشت: «با سلام، خدمت حضور محترم شما عرض کنم اگر امکان دارد اتاق را ترک نفرمایید، سیاست‌گذار، ابوالحسنی!» نوشتن از مرحوم ابوالحسنی باعث تسلی خاطر ماست. دم شما هم گرم که حواس‌تان به آدم‌های اثرگذار هست.»

### می‌گفت ما زبان مردم هستیم

#### و به آن‌ها مادیونیم

کارگردان دیرین دیرین از راه‌اندازی این مجموعه می‌گوید: «آقای ابوالحسنی ایده پویانمایی روزانه را زمانی مطرح کرد که هنوز گوشی هوشمند به بازار نیامده بود. فکر می‌کنم از سال ۸۵ دغدغه کار روزانه پویانمایی داشت که با من مطرح کرد. طرحی به او دادم ولی اجرایی نشد چون فضا سخت‌تر بود و قرار بود از تلویزیون پخش شود. ایده در ذهنش مانده بود تا سال ۹۱-۹۲ که به من پیامک داد الان وقتش است، بیا که می‌خواهم کار ۴۰ سالگی‌ام را انجام بدهم. می‌خواست به خاطر ۴۰ ساله شدنش یک کار بزرگ بکند. گفتیم در خدمت. ایده دیرین دیرین را داد و از من خواست تا به محتوایش فکر کنم.»

صدای پیشه‌مجموعه هم روش مدیریتی کار مرحوم را این‌گونه توضیح می‌دهد: «ایشان پدر پروژه‌ها بود. تا وقتی کار شناخته شد ایشان هیچ ربالی دریافت نمی‌کرد و به همه عوامل حقوق می‌داد که کار پیش برود. اصلاً تهیه‌کننده‌ای به این شکل ندیده بودم که کمتر سدو همچنان از جیب خرج کند، وضع مالی تهیه‌کننده‌های بولدار را هم ندانست. ایشان هنگام ساخت کار به این فکر می‌کرد که ان شاء... بتواند در آینده برای همه سودآورتر باشد تا این که به تدریج کار را به این جاسازند که افراد بیابند و مشتاقانه بخواهند اسپانسر شوند. «علیمردانی در تشریح سیستم مالی پروژه‌ها ادامه می‌دهد: «ایشان هیچ وقت کار را ساده نگرفت. شاید باورن‌ناشد فقط یک بیستم حجم تبلیغاتی را که به ستمش می‌آمد، انجام می‌داد. نه این که نرسد، نه این که از پول بدش بیاید، می‌گفت ما زبان مردم هستیم، مردم ما را قبول دارند، اگر چیزی را تبلیغ نکنیم می‌گویند این را چون دیرین دیرین دارد تبلیغ می‌کند پس حتما در دست است. بنابراین ما باید از صحت و سقم محتوای آن تبلیغ مطمئن شویم، چون مادیونی دارد. مثلاً اگر فلان استارت‌آپ می‌آمد و می‌گفت ما فلان خدمات را می‌دهیم، ابوالحسنی می‌گفت اول به ما ثابت کن که ضرری نداری، دروغ نمی‌گویی، به محیط زیست آسیب نمی‌رسانی، بعد با هم توافق کنیم و حرف بنیم. می‌گفت مردم که کار را رایگان می‌بینند و با تشکر را بی به‌نامی دهند.»



هم‌اکنون کار با دو نفر ابوالحسنی به مشکل می‌خورد. این را علی درخشی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کسی شبیه ایشان نخواهد بود ولی چون دیرین دیرین یک دستاورد بزرگ است، مانند یک موجود زنده را خودش را می‌رود. شاید بتوانیم با روش‌های آقای ابوالحسنی پروژه را جلو ببریم ولی سعی می‌کنیم با روش‌های خلاقانه زنده نگهش داریم و مدام کیفیت‌اش را بهتر کنیم. آقای ابوالحسنی روابط عمومی خیلی قوی داشت. خیلی باهوش و خلاق بود و از صفر یک پروژه می‌ساخت. هنر بزرگی داشت که بین مسائل بی‌ربط آن چنان ارتباط برقرار می‌کرد که آدم حیرت می‌کرد. می‌توانست هزار و یک شغل و پروژه و پول ایجاد کند. البته سعی می‌کنیم کار را بهتر از قبل و با انرژی ادامه دهیم و در فضای مجازی هم فعال تر شویم تا آسایش را از مخاطب بگیریم!»